

فصل سیزدهم

آراء ديوان عدالت اداری

تاریخ رسیدگی ۶۴/۱۰/۹

شماره دادنامه ۳۴

مرجع رسیدگی : هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

موضوع رسیدگی : شکایت آقای میرطاهر طیبی فرزند میرزا بطرفیت وزارت امور اقتصادی و دارایی.

موضوع شکایت و خواسته : ابطال بخشنامه خلاف قانون بشماره ۳۷۲۶/۲۱۹/۲۹ مورخ ۶۱/۲/۱۶ وزارت امور اقتصادی و دارایی

مقدمه و گردشکار : به شرح دادخواست شماره ۳۱۳۶-۶۱/۱۰/۲۱-۳۱۳۶ شاکی اعلام داشته که در رابطه با اصل ۱۷۰ قانون اساسی پس از تصویب قانون اراضی شهری وزارت مسکن و شهرسازی مأمور تهیه آیین نامه اجرایی قانون مزبور بوده و تبصره ۵ ماده ۸ قانون که نحوه تقویم بهاء زمین های بایر خریداری دولت را بر مبنای قیمت منطقه ای (ارزش معاملاتی) قرارداد و آقای وزیر امور اقتصادی و دارایی همزمان با تدوین آیین نامه مزبور بخشنامه فوق الذکر را به تمام ادارات کل دارایی استان ها صادر و بدون مجوز قانونی برای تعیین ارزش های معاملاتی دستوراتی صادر نموده است. چون بخشنامه خلاف قانون می باشد، تقاضای ابطال آنرا نموده است. در نتیجه هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ ۶۴/۱۰/۹ به ریاست حجه الاسلام آقای حاج شیخ محمدعلی فیض قائم مقام دیوان و با شرکت رؤسای شعب تشکیل شد. پس از بررسی موضوع و سوابق امر و تبادل نظر و مشاوره به اتفاق آراء و با اعلام کفایت مذاکرات و اعلام ختم رسیدگی بشرح ذیل مبادرت بصدور رأی می نماید.

رأی دیوان : در خصوص دادخواست آقای میر طاهر طیبی فرزند میرزا بطرفیت وزارت

امور اقتصادی و دارایی و موضوع شکایت و خواسته و صدور بخشنامه شماره ۳۷۲۶/۲۱۹/۲۹ مورخ ۱۳۶۱/۲/۱۶ و ابطال آن بلحاظ مخالف قانون بودن با توجه به متن دادخواست تقدیمی و لایحه جوابیه شماره ۷۳۴/۶-۱۳۶۲/۲/۱۳ وزارت امور اقتصادی و دارایی خلاصتاً بشرح اینکه : اولاً : بخشنامه مذکور دستورالعمل داخلی تلقی و ثانیاً : به هر حال ادارات کل امور اقتصادی و دارایی استانها توجه خواهند داشت که کمیسیون تقویم املاک موضوع تبصره ۲ ماده ۲۳ قانون مالیات های مستقیم با در نظر گرفتن وظایف قانونی خود در مورد تعیین ارزش معاملاتی املاک تصمیم لازم اتخاذ خواهند نمود و ثالثاً : در زمان صدور دستورالعمل فوق هنوز آیین نامه اجرایی قانون اراضی شهری به

تصویب نرسیده است . و نظر به تبصره ۲ ماده ۲۳ فوق الذکر دایر بر اینکه تعیین ارزش های معاملاتی اراضی واقع در داخل و خارج شهرها بعهده کمیسیون تقویم املاک می باشد که هر سال در تهران از نماینده وزارت دارایی - ارزیاب سازمان ثبت اسناد و املاک - نماینده انجمن شهر و در شهرستانها از پیشکار یا رئیس دارایی یا نماینده او - رئیس اداره ثبت یا نماینده او - نماینده انجمن شهر تشکیل می گردد و وظایف کمیسیون تقویم عبارتست از : ۱- تعیین ارزش معاملاتی اراضی در هر سال براساس برآورد ارزش متوسط شش ماهه اخیر .

۲- تقویم بهای ساختمان براساس نوع مصالح و مشخصات بنا و موقعیت محل و نظر به اینکه در بخشنامه شماره ۳۷۲۶/۲۱۱۹/۲۹-۱۶/۲/۱۳۶۱ از اداره کل اطلاعات و خدمات مالیاتی به اداره کل امور اقتصادی و دارایی استان در تعقیب بخشنامه شماره ۳۷۷۰۸/۲۸۵۱/۲۰ مورخ ۶۰/۱۱/۷، اعلام شده جهت یکنواخت نمودن قیمت های مذکور و هماهنگی لازم در این مورد در سال ۱۳۶۱ لازم است کمیسیون های تعیین ارزش معاملاتی موضوع تبصره ۲ ماده ۲۳ قانون مالیات های مستقیم مصوب اسفند ماه ۱۳۴۵ و اصلاحیه های بعدی آن با در نظر گرفتن اطلاعاتی که در اجرای بخشنامه فوق الذکر بدست آورده مراتب زیر را مورد توجه قرار دهند :

۱- ارزش معاملاتی عرصه املاکی که دارای ابنیه و سایر مستحدثات باشند حدوداً برابر ارزش معاملاتی عرصه در سال ۱۳۵۶ تعیین شود.

۲- ارزش معاملاتی اعیانی برابر سال ۱۳۵۶ با کسر ۴۰٪ و نسبت به مازاد بر ۱۰۰۰ مترمربع تا ۳۰۰۰ مترمربع برابر سال ۱۳۵۶ حدوداً منهای ۶۰٪ و نسبت به مازاد بر ۳۰۰ مترمربع برابر سال ۱۳۵۶ منهای ۸۰٪ .

۳- چنانچه یک قطعه زمین بایر از نظر مقررات ثبتی تفکیک گردیده و سپس یکجا فروخته شود از نظر احتساب مالیات بر نقل و انتقالات بهتر است با توجه به موارد مذکور در بند ۳ این بخشنامه عمل شود.

۴- درمورد معاملاتی که بهای عرصه و اعیان آن براساس ارزش معاملاتی تا ۱/۰۰۰/۰۰۰ ریال تعیین می گردد ۳۰٪ تخفیف منظور گردد. بدیهی است چنانچه ملکی ارزش آن بیش از مبلغ فوق باشد از تخفیف مذکور استفاده نخواهد کرد.

۵- چنانچه املاکی تاکنون فاقد ارزش معاملاتی بوده برای سال ۱۳۶۱ اقدام و تعیین ارزش گردد.

۶- در شهرستانهایی که ارزش معاملاتی در سال ۱۳۶۰ تعیین شده باشد آخرین ارزش مصوب در صورتیکه تاکنون تغییرات ارزش معاملاتی بر اساس سال ۱۳۵۶ عمل گردیده است بر مبنای سال مزبور نسبت به تعیین ارزش معاملاتی سال ۱۳۶۱ با رعایت مفاد این دستورالعمل در هر مورد اقدام لازم معمول نمایند. بهر حال ادارات کل امور اقتصادی و دارایی استانها توجه خواهند داشت که کمیسیون تقویم املاک موضوع تبصره ۲ ماده ۲۳ قانون مالیات های مستقیم با در نظر گرفتن وظایف قانونی خود در مورد تعیین ارزش معاملاتی املاک تصمیم لازم اتخاذ خواهند نمود. بنابراین چون مفاد بخشنامه و یا دستورالعمل مورد ادعای وزارت امور اقتصادی و دارایی با وجود تبصره ۲ ماده ۲۳ قانون مالیات های مستقیم در مورد وظایف کمیسیون تقویم املاک وضع ضابطه نموده و از محدوده اجرایی خارج مبادرت به قانونگذاری کرده است لذا صدور این بخشنامه یا دستورالعمل مخالف صریح تبصره ۲ ماده ۲۳ قانون فوق الاشعار و خارج از صلاحیت مقامات اجرایی می باشد. مستنداً به ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری، بخشنامه یا دستورالعمل مزبور ابطال می گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شماره هـ ۱۸۴/۷۳

۱۳۷۴/۱۰/۱۲

شماره دادنامه ۱۴۵

تاریخ ۷۴/۸/۲۷

کلاس پرونده ۱۸۴/۷۳

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: شرکت آلومینیوم پارس (سهامی خاص)

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعبه هفدهم دیوان عدالت اداری

مقدمه: الف - شعبه هفدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۲۵۶/۷۲ موضوع شکایت آقای

سید محمود حسینی رئیس هیئت مدیره شرکت آلومینیوم پارس به طرفیت شهرداری ساوه

به خواسته رسیدگی به صدور رأی مورخ ۷۰/۱۱/۱۷ از ناحیه کمیسیون ماده ۷۷ قانون

شهرداری ها متشکله در شهرداری ساوه و تصمیم به مطالبه مبلغ ۱۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال بابت

عوارض فروش تولید شرکت و ابطال تصمیم مزبور به شرح دادنامه شماره ۳۵۰ -

۷۲/۱۱/۱۷ چنین رای صادر نموده است، علاوه بر اینکه کمیسیون ماده ۷۷ قانون

شهرداریها که مورخ ۷۲/۷/۲۹ بجای سه نفر با حضور دو نفر از اعضاء نماینده

دادگستری و وزارت کشور بدون حضور نماینده انجمن شهر تشکیل شده و طبق ماده ۷۷

قانون شهرداری ها حضور سه نفر اعضای کمیسیون الزامی بوده است، چون در مورد

صدور رای مار الذکر مبنی بر محکومیت شرکت خواهان به پرداخت یک درصد عوارض

فروش تولید شرکت به شهرداری خوانده با توجه به دادنامه شماره ۴۲-۴۲/۲۵/۷۰ صادره

از هیأت عمومی دیوان مبنی بر ابطال بخشنامه شماره ۹ مورخ ۶۸/۸/۱ شهرداری الوند

در ارتباط با مطالبه وصول یک درصد عوارض تولید از کارخانجات و واحدهای تولیدی

مستقر در شهر صنعتی البرز و مصوبه مورخ ۷۰/۲/۲۴ شورای اقتصاد دال بر اینکه

واحدهای مستقر در شهرک های صنعتی و خارج از حوزه حفاظتی شهر مشمول عوارض

مورد مطالبه شهرداری نمی باشد برخلاف ضوابط و مقررات مربوطه عمل شده است و

طرف شکایت نیز مدرک و مستندی که رای مرقوم را توجیه نماید به دیوان ارائه ننموده

است، علیهذا خواسته خواهان موجه بوده و حکم به ورود شکایت صادر و بطلان رأی و

اقدام شهرداری در ارتباط با مطالبه عوارض مربوط اعلام می گردد.

ب - شعبه هفدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۸۸۵/۷۳ موضوع شکایت شرکت آلومینیوم

پارس بطرفیت شهرداری و اداره ثبت اسناد ساوه به خواسته صدور دستور موقت بر

توقیف عملیات اجرایی رای مورخ ۷۱/۱۲/۲۵ کمیسیون های ماده ۷۷ قانون شهرداری ها

بشرح دادنامه شماره ۹۱۶-۷۳/۱۰/۱۹ چنین رای صادر نموده است، چون شرکت شاکی

بلحاظ اینکه سرمایه آن متعلق به بانکهای صنعت و معدن و بانک مسکن که از مؤسسات دولتی می باشد از شرکت های دولتی محسوب بوده وشکایت شرکت های دولتی با توجه به ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری و رأی وحدت رویه شماره ۳۹، ۳۸، ۳۷ - ۶۸/۷/۱۰ از شمول ماده ۱۱ مارالذکر و رسیدگی به آن از حدود وظایف شعبه دیوان خارج می باشد. علیهذا خواسته شاکی از هر حیث قابل رسیدگی در دیوان نیست و حکم به رد شکایت صادر می گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام و المسلمین اسماعیل فردوسی پور و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت بصدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: نظر به اینکه سهام شرکت آلومینیوم پارس متعلق به واحدهای دولتی است لذا با توجه به اصل ۱۷۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده ۱۱ قانون دیوان عدالت اداری و همچنین آراء شماره ۳۹-۳۸-۳۷ مورخ ۶۸/۷/۱۰ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مبنی بر حصر صلاحیت دیوان در رسیدگی به شکایات مردم از تصمیمات و اقدامات و آراء قطعی واحدهای دولتی، دادنامه شماره ۹۱۶ مورخ ۷۳/۱۰/۱۹ که متضمن این معنی می باشد، موافق قانون تشخیص داده می شود. این رای مستنداً به ذیل ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوطه در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - اسماعیل فردوسی پور

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای بهروز فرهنگند - آقای مرتضی نجف آبادی فراهانی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۴ و ۱۰ دیوان عدالت اداری

مقدمه: الف - شعبه دهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۶۶ الی ۱۷۲/۷۲ موضوع شکایت آقای غلامرضا درویش احمدی و . . . به طرفیت شهرداری منطقه ۱۹ تهران به خواسته اعتراض نسبت به مطالبه پذیره و حق پارکینگ در مورد مغازه های استیجاری شکات واقع در پلاک ثبتی ۱۱۴/۱۳۶۵ به شرح دادنامه شماره ۷۷۱ الی ۷۷۷ مورخ ۱۸/۹/۷۲ چنین رأی صادره نموده است: با توجه به محتویات پرونده شکات طی دادخواست های تقدیمی به دیوان عدالت اداری به طرفیت شهرداری منطقه ۱۹ تهران خلاصتاً چنین عنوان نموده اند که هر یک مستأجر یک باب مغازه جزء پلاک ثبتی شماره ۱۱۴/۱۳۶۵ بوده که براساس دادنامه شماره ۶۰ مورخ ۱۸/۳/۶۶ شعبه ۱۶۴ دادگاه کیفری دو تهران با پرداخت جریمه بر مبنای یک پنجم ارزش سرقفلی مغازه ها ابقاء و جریمه معینه را تأدیه نموده اند، لکن متعاقباً شهرداری منطقه در مقام وصول عوارض پذیره و حق پارکینگ از آنان برآمده و از این حیث معترض و صدور حکم را درخواست دارند که با مطالعه و بررسی اوراق پرونده نظر به اینکه حسب سوابق امر و مندرجات دادنامه صادره احداث بنا در پلاک موصوف به مساحت ۵/۶۴۱ مترمربع کلاً بدون مجوز که ۹۱/۳۳۲ مترمربع آن به صورت پانزده باب مغازه تجاری و بقیه به صورت سه واحد مسکونی می باشد و از طرف شعبه ۱۶۴ دادگاه کیفری دو تهران بنا به علل و جهات منعکس در دادنامه صادره تعطیل مغازه ها به هر تقدیر ضروری تشخیص نگردیده و به استناد تبصره ۴ اصلاحی ذیل ماده صد قانون شهرداری و بر مبنای یک پنجم ارزش سرقفلی جریمه تعیین شده است، علیهذا با ابقاء مغازه های احداثی و عنایت به مصوبه سال ۱۳۶۴ مربوط به موارد مشمول اخذ عوارض پذیره و ماده واحده قانون تعیین تکلیف عوارض تصویبی شهرداری مصوب ۳/۱۰/۷۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام اخذ عوارض پذیره طبق ضوابط مربوط بلاشکال به نظر می رسد. النهایه چون عوارض پارکینگ ناظر به سطح مسکونی است مطالبه آن از شکات که هر یک مستأجر یک باب مغازه می باشند موقعیت و محمل قانونی نداشته و شکایت در این حد وارد می باشد.

ب - شعبه چهارم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۹۹۹/۷۲ موضوع شکایت آقای اسداله حسین نژاد به طرفیت شهرداری منطقه ۱۹ تهران به خواسته مطالبه پذیره واحدهای تجاری و حق پارکینگ در پلاک ثبتی شماره ۱۱۴/۱۳۶۵ به شرح دادنامه شماره ۲۰۴۴-۷۲/۱۲/۱۲ چنین رأی صادر نموده است: نظر به اینکه محتویات پرونده ارسالی برگهای ۳۸ الی ۴۱ و برگهای ۴۶ الی ۵۶ نشانگر این است واحدهای تجاری این پلاک در سالهای ۵۸ و ۵۹ دایر شده بعلاوه مدیریت کل محترم حقوقی شهرداری در آن طی شماره ۳۱۷/۶۶۴۳-۷۲/۱۱/۳۰ ایجاد واحدهای تجاری و مسکونی بدون پروانه در این پلاک را در حدفاصل سالهای ۵۸ و ۵۹ تأیید نموده و با توجه به اینکه مصوبه مورخ ۷۱/۱۰/۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام وصول عوارض پذیره را از تاریخ ۶۱/۹/۱۰ تجویز نموده، مطالبه این عوارض قبل از آن تاریخ محمل قانونی ندارد، و با توجه به اینکه دفاع موجهی به عمل نیامده، لذا شکایت وارد تشخیص و حکم به معافیت شاکی به پرداخت عوارض پذیره مورد شکایت صادر و اعلام می گردد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجة الاسلام و المسلمین اسماعیل فردوسی پور وبا حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: نظر به اینکه قانون تعیین تکلیف عوارض تصویبی شهرداریها مصوب ۷۱/۱۰/۳ مجمع تشخیص مصلح نظام علی الاطلاق ناظر به تنفیذ کلیه عوارض تصویبی شهرداریها به علت نبودن تنفیذ یا عدم وجود قائم مقامی شورای اسلامی شهر از تاریخ ۶۱/۹/۱ لغایت ۶۶/۱۰/۱۲ و از جمله مصوبه شماره ۲۲۴۵/۳۴۳۵/۱۳ مورخ ۶۴/۳/۶ وزارت کشور در خصوص عوارض پذیره می باشد، علیهذا با تنفیذ مصوبه مذکور و در نظر گرفتن تاریخ رسیدگی به تخلفات ساختمانی پلاک مورد بحث از حیث شمول مصوبه، موضوع دادنامه شماره ۶۰ مورخ ۶۶/۳/۱۸ دادگاه کیفری دادنامه شماره ۷۷۱ الی ۷۷۷ مورخ ۷۲/۹/۱۸ شعبه دهم دیوان عدالت اداری که متضمن جواز اخذ عوارض پذیره بر مبنای ضوابط مربوط می باشد موافق اصول و مقررات تشخیص داده می شود. این رأی به استناد قسمت اخیر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - اسماعیل فردوسی پور

شماره هـ ۲/۷۵

۱۳۷۵/۳/۱۶

شماره دادنامه ۲۵

تاریخ ۷۵/۲/۲۲

کلاس پرونده ۲/۷۵

مرجع رسیدگی : هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی : آقای غلامرضا گلابی و ...

طرف شکایت : شهرداری مشهد

موضوع شکایت و خواسته : ابطال دستورالعمل شماره ۲۱/۵۳۰۵۰-۲۱/۱۲/۲۱ (عوارض ارزش افزوده)

مقدمه: شکات طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته اند، بابت احداث بنای زائد بر تراکم مجاز و کسر پارکینگ و غیره به موجب رأی قطعی مورخ ۱۴/۹/۷۳ به پرداخت مبلغ ۱۲ میلیون ریال جریمه تخلف محکوم شدیم. متأسفانه شهرداری منطقه یک مشهد فیش بشماره ۵۱۶۴۶۵ جمعاً به مبلغ ۱۲۶/۱۸۲/۹۶۳ ریال تحویل تا نسبت به پرداخت و واریز آن به حساب شهرداری اقدام نماییم. شهرداری مستند درخواست این مبلغ اضافی را دستورالعمل شماره ۲۱/۵۳۰۵۰ مورخ ۲۱/۱۲/۲۱ (عوارض ارزش افزوده) اعلام می نماید. همانطوریکه مستحضرید وصول و مطالبه هر نوع عوارض توسط شهرداری ها به استناد شق یک از ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی مصوب آذرماه سال ۱۳۶۱ منوط به پیشنهاد شورای شهر و تنفیذ ولی فقیه می باشد، در صورتی که آثار سوئی بر اقتصاد نداشته باشد، مضافاً به اینکه به استناد تبصره ذیل ماده ۵۳ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی مصوب ۱۳۶۴ در شهرهایی که انتخابات شورای شهر انجام نشده شخص وزیر کشور یا سرپرست وزارت کشور بعنوان قائم مقام شورای شهر می باشد. بنابراین هر نوع عوارض پس از پیشنهاد وزیر محترم کشور و تنفیذ ولی فقیه قابل وصول برای شهرداری خواهد بود که در دستورالعمل مورد شکایت رعایت تشریفات قانونی نگردیده است. همچنین در صدور دستورالعمل مورد بحث رعایت بخشنامه ۶۹/۲/۲۸-۳۴/۲۹۲ رئیس سازمان برنامه و بودجه نشده است. بنا به مراتب، ابطال دستورالعمل ۲۱/۵۳۰۵۰ مورخ ۲۱/۱۲/۲۱ را خواستاریم.

شهرداری مشهد در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۷۴/۵/۱۵-۴۵/۳۱۸ اعلام داشته اند: دستورالعمل مورد شکایت تحت عنوان لایحه طی نامه شماره ۲۱/۵۳۰۵۰-۲۱/۱۲/۲۱ به قائم مقام شورای شهر ارسال تا در آن شورا مطرح که در صورت تصویب اجراء گردد و مقام معظم استانداری خراسان طی نامه شماره ۸/۱۰۰۲ مورخ ۷۳/۱/۱۵

اجرای آنرا تا زمان تهیه طرح تفصیلی جدید تصویب و جهت اجراء به شهرداری بلامانع اعلام نموده است. لذا چنانچه شکایت و ایرادی بر مصوبه است دعوی متوجه شهرداری نیست.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجة الاسلام و المسلمین اسماعیل فردوسی پور و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت: نظر به ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی و بند الف ماده ۴۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و نحوه مصرف آن در موارد معین در باب تعیین مراجع صالح جهت تعیین و تصویب عوارض شهرداری ها و اینکه استناداری صلاحیتی در وضع و تصویب عوارض مزبور ندارد، لذا مصوبه مورد شکایت مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - اسماعیل فردوسی پور

مرجع رسیدگی : هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی : شرکت تولید ابزار برشی.

موضوع شکایت و خواسته : ابطال بخشنامه شماره ۱۱/۲۲۸۴۶-۷۵/۶/۳- استانداری مرکزی.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته اند، اختلافات دیرینه شهرداری و شهرکهای صنعتی در خصوص دریافت ۱٪ عوارض فروش موضوع بند ۱ ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور و همچنین بند الف ماده ۴۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت مورد ادعای شهرداری ها در محضر مقام ریاست جمهوری مطرح و ایشان برابر نامه شماره ۱۱/۶۴۴۰ مورخ ۷۵/۴/۱ مقرر فرمودند به ۱- واحدهای تولیدی در حوزه استحفاظی شده اعم از اینکه در داخل و یا خارج شهرک های صنعتی باشند باید ۱٪ عوارض مصوب را پرداخت نمایند . ۲- چنانچه این واحدها خارج از شهرکهای صنعتی باشند تمام ۱٪ به شهرداری ها پرداخت می شود و اگر در داخل شهرکهای صنعتی باشند باید نیم درصد به شهرداری و نیم درصد به شهرکها پرداخت گردد و از آنجائیکه کارخانه این شرکت در شهرک صنعتی کاوه قرار دارد و مطابق با دستورالعمل مذکور می بایست نیم درصد سهم شهرداری ساوه و نیم درصد سهم شهرک صنعتی کاوه پرداخت نماید که به همین نحو اقدام نموده است ولی شهرداری ساوه ضمن رد مصوب ریاست جمهوری به نامه شماره ۱۱/۲۲۸۴۶ مورخ ۷۵/۶/۳ استانداری استان مرکزی استناد نموده و صراحتاً اعلام می نماید که مصوبه ریاست جمهوری در استان مرکزی قابل اجراء نمی باشد. از آنجائیکه هیچ مصوبه یا بخشنامه ای یا قانونی بعد از مصوبه شماره ۱۱/۶۴۴۰ مورخ ۷۵/۴/۱ مقام ریاست جمهوری منتشر نگردیده که ۱٪ عوارض فروش می بایست فقط به شهرداری ساوه پرداخت گردد و همچنین اقدام استانداری استان مرکزی نیز فاقد وجهت قانونی است ، بنابه مراتب ، ابطال نامه شماره ۱۱/۲۲۸۴۶ مورخ ۷۵/۶/۳ استانداری استان مرکزی را صادر فرمائید. استاندار استان مرکزی در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۱/۲۸۱۷۸ مورخ ۷۶/۶/۱۵ اعلام داشته اند : تعرفه یک درصد عوارض فروش کارخانجات تولیدی برای شهرداری های استان مرکزی در

اجرای بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شورای اسلامی کشور مصوب ۱۳۶۱ با پیشنهاد وزیر کشور و تنفیذ شماره م/۱۶۹۹۱/۱ مورخ ۶۸/۱۲/۲۸ نماینده محترم ولایت فقیه مجاز بوده است. در حالیکه در بند الف ماده ۴۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت علی الاصول صرفاً وضع عوارض جدید و افزایش عوارض موجود پیش بینی شده و تصمیماتی که به استناد بند مزبور اتخاذ می شود ناقض و ناسخ عوارض قبلی نمی شود. به استناد بند ۲ نامه شماره ۷۰۴۶/الف ح مورخ ۷۵/۵/۳۰ ریاست محترم جمهوری که فرموده اند عوارض فروش کالاهای صادراتی و وارداتی واحدهای تولیدی برای بعضی از شهرداری ها در اجرای بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور به تصویب رسیده است و وصول آن توسط شهرداری های مربوط بلاشکال است و مرقومه ۶۱۱۶۰ مورخ ۷۴/۲/۲۶ ریاست محترم جمهوری موجب کاهش عوارضی که به استناد بند الف ماده ۳۵ قانون مذکور وضع شده نمی باشد. مضافاً اینکه تنفیذ شماره م/۱۶۹۹۱/۱ مورخ ۶۸/۱۲/۲۸ نماینده محترم ولی فقیه وصول عوارض یک درصد توسط شهرداری های برخی از استانها منجمله شهرداری های استان مرکزی را صراحتاً مجاز دانسته است. در تاکید و تایید عرایض مذکور در تاریخ ۷۶/۳/۲۱ ماده واحده قانون راجع به تأسیس شرکت شهرک های صنعتی ایران مصوب سال ۶۲ توسط مجلس شورای اسلامی اصلاح و به تأیید شورای محترم نگهبان هم رسیده است که به موجب قسمت اخیر بند ۷ ماده واحده اصلاحی و تبصره آن مقرر می دارد: (.... در هر حال شهرکهای صنعتی از حریم قانونی و استحقاقی شهرها و قانون شهرداری ها مستثنی بوده و واگذاری اراضی به متقاضیان و حدود شرایط ونحوه عمل در این خصوص در اختیار مسئولان شهرک صنعتی است که براساس آئین نامه اجرایی این قانون عمل خواهد کرد. تبصره، عوارض قانونی تولید صنعتگران از مقررات این بند مستثنی است) با استنباط مضیق از مفهوم مخالف تبصره ماده ۷ اصلاحی اخیر التصویب (۷۶/۳/۲۱) تمامی ۱٪ عوارض فروش محصولات را متعلق به شهرداریها دانسته است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست آیت اله موسوی تبریزی و با حضور رؤسای شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء بشرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: چون تعیین ضوابط و قواعد مربوط به نحوه اجرای مصوبه شماره ۱۱/۶۴۰/۶۱ مورخ ۱/۴/۷۵ ریاست جمهوری در زمینه تعلق عوارض فروش محصولات تولیدی واحدهای صنعتی و تولیدی مندرج در مصوبه مذکور و قلمرو اجرایی و میزان آن در مناطق مختلف جغرافیایی تابعه از وظایف و اختیارات استانداریها محسوب نمی شود ، لذا بخشنامه اجرایی شماره ۱۱/۲۲۸۴۶ مورخ ۳/۶/۷۵ استانداری مرکزی بلحاظ خروج از حدود اختیارات خلاف قانون شناخته می شود و مستنداً به قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری ابطال می گردد.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - سید ابوالفضل موسوی تبریزی

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای منصور واعظی

موضوع شکایت و خواسته: ابطال مصوبه مورخ ۱۳۷۸/۵/۲۱ شورای اسلامی شهر تهران.

مقدمه: احتراماً شورای شهر تهران بدون رعایت ترتیبات مقرر در اساسنامه سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران طی تصمیمی مبادرت به تغییر اساسنامه سازمان نموده است. از آنجا که این سازمان از ابتدا براساس رهنمودهای مقام معظم رهبری شکل یافته و معظم له در تمامی مراحل آن نقش اساسی داشته و در موارد لزوم دستورات لازم را صادر می فرمودند و رهنمودهای ارائه شده به عنوان سیاست های کلی و اصولی سازمان بوده است و با عنایت به اینکه مصوبه شورای شهر تهران بدون در نظر گرفتن موارد یادشده مبادرت به تغییر اساسنامه نموده است. لذا مصوبه شورای مزبور بنا به دلایل زیر مغایر با شرع بوده تقاضای ابطال آن را داریم.

۱- اقدامات اولی تشکیل سازمان در سال ۱۳۷۴ با هدایت مقام معظم رهبری شکل گرفت. معظم له معتقد بودند که ساختن و تجهیز مراکز فرهنگی از طرف شهرداری کار پسندیده ای است ولی اداره آنها و اصولاً انجام امور فرهنگی خارج از وظایف شهرداری است و لذا بر همین اساس این سازمان ایجاد گردید.

۲- پس از این رهنمود اساسنامه ای تهیه که متن نهایی براساس نظرات معظم له تدوین و تکمیل گردید.

۳- تعداد اعضاء هیئت امناء و نوع شخصیت هایی که می بایست در این هیأت حضور داشته باشند تماماً براساس رهنمودهای معظم له تعیین و منصوب گردیدند.

۴- مقام معظم رهبری در خصوص عضویت فرماندهی نیروی مقاومت بسیج در هیأت امنای سازمان فرهنگی هنری صراحتاً اعلام فرمودند که «عضویت فرمانده نیروی مقاومت بسیج در هیأت امنای آن سازمان دستور است و هیچ ارتباطی به آیین نامه و برنامه های سازمان ندارد...» که به این ترتیب و با توجه به آنکه عضویت فرماندهی نیروی مقاومت

بسیج در هیأت مدیره منتخب شورای اسلامی شهر تهران لحاظ نگردیده مغایرت اساسنامه مزبور را با موازین شرعی بیش از پیش روشن می سازد.

۵- این امر حتی در سال ۱۳۷۸ نسبت به افزایش اعضاء هیئت امناء و عضویت رئیس نهاد نمایندگی ولی فقیه در دانشگاه ها و رئیس شورای فرهنگی اجتماعی زنان شورای عالی انقلاب فرهنگی نیز رعایت شده و در این خصوص نیز معظم له طی نامه شماره ۱/۵۲۴۴ مورخ ۱۳۷۸/۴/۱ نظر مساعد خویش را اعلام فرموده اند. بنابراین تلقی مقام معظم رهبری از این سازمان تلقی یک سازمان وابسته به شهرداری تهران و زیر نظر شورای شهر نیست و الاً اگر چنانچه این سازمان را زیر مجموعه شهرداری تلقی می کردند، طبیعتاً این چنین وارد اینگونه امور نمی شدند. این گونه رهنمودها اساساً بر این پایه استوار است که اداره سازمان به نوعی مربوط با منویات ایشان است و لذا در طول چند سالی که از زمان تأسیس سازمان می گذرد همواره این سازمان را با اوامر موردی خویش مشمول عنایت قرار داده اند. ضمناً اساسنامه سازمان به ثبت قانونی رسیده و مجلس شورای اسلامی نیز در قانون تأمین بودجه سازمان مورخ ۷۸/۲/۱۶ به نوعی هیأت امنای پیش بینی شده در اساسنامه را تأیید نموده است. در اساسنامه یادشده نیز تغییرات مربوط به آن و شیوه اصلاح اساسنامه پیش بینی شده و لذا هرگونه تغییری یابد براساس مواد منظور شده در اساسنامه سازمان صورت پذیرد. بنابراین اقدام شورای اسلامی شهر تهران با نادیده گرفتن همه موارد یادشده در فوق و مبادرت به ایجاد مصوبه ای که تمامی منویات معظم له را بی اثر می سازد فاقد مجوز شرعی و قانونی بوده و مغایر با شرع می باشد. لذا خواستار اصدار رأی بر ابطال آن می باشیم.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری به ریاست حجت الاسلام و المسلمین درّی نجف آبادی در جلسات متعدد خود از جمله جلسه مورخ ۷۸/۱۰/۱۲ و ۷۸/۱۰/۱۹ و ۷۸/۱۲/۲۲ موضوع مصوبات شورا را به بحث و بررسی همه جانبه گذاشت و پس از بحثهای مفصل کارشناسی و حقوقی و قانونی و قضایی موضوع را قابل طرح و بررسی در دیوان و هیأت عمومی تشخیص داده و مقررات و تصمیمات شوراها را مشمول ماده ۱۱ و ۲۵ قانون دیوان دانست و حق تظلم و دادخواهی نسبت به مصوبات و مقررات و دستورالعملها و بخشنامه ها

و آیین نامه ها را برای همه تأیید و با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به اصدار حکم نمود.

رأی هیأت عمومی: به شرح نظریه شماره ۷۸/۲۱/۶۳۰۷ مورخ ۷۸/۱۲/۵ فقهای محترم شورای نگهبان که عیناً نقل می شود «باتوجه به اینکه مقام معظم رهبری امر به حفظ وضع مستفاد از اساسنامه سابق فرموده اند و شورای شهر تهران بدون رعایت بعض مواد آن (مثل اصلاحیه ماده ۱۳) اقدام به تغییر اساسنامه سابق کرده است ، فلذا اقدام شورای شهر و تغییر اساسنامه سابق خلاف موازین شرع شناخته شد.» بنابراین مصوبه مورد اعتراض در حد مندرج در نظریه فوق الذکر مستنداً به قسمت اول ماده ۲۵ قانون دیوان عدالت اداری مصوب ۱۳۶۰/۱۱/۴ ابطال می شود.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی

شماره هـ ۱۹۹/۷۸/

۱۳۷۹/۸/۳۰

شماره دادنامه: ۱۹۳

تاریخ ۱۳۷۹/۶/۶

کلاس پرونده: ۱۹۹/۷۸

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: شرکت سهامی خاص فرش البرز

موضوع شکایت و خواسته: ابطال بند ۲۷ بخشنامه شماره ۱/۳/۳۴/۲۴۸۲۰ مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۱۷ وزارت کشور.

مقدمه: شاکی طی دادخواست تقدیمی اعلام داشته است، وزارت کشور طی بخشنامه شماره ۱/۳/۳۴/۲۴۸۲۰ مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۱۷ و بند ۲۷ آن به استانداریها اعلام نموده اند که می توانند نسبت به تغییر محدوده قانونی شهرها و همچنین حریم شهرها اقدام و پیشنهادات خود را برای تصویب به وزارت کشور ارسال دارند این دستورالعمل موجب شده است که شهرداریها موضوع حریم شهر را با محدوده قانونی شهرها مخلوط و برای اخذ عوارض یک درصد از فروش محصولات تولیدی کارخانجات که در خارج از حوزه استحفاظی شهرها قرار دارد محدوده قانونی خود را بدون رعایت مجوزهای لازم (اخذ موافقت وزارت مسکن و شهرسازی) توسعه داده و با تهیه نقشه دلخواه آنرا به وزارت کشور ارسال دارد. وزارت کشور هم با تصویب نقشه ها بدون رعایت تبصره یک ماده ۴ قانون تقسیمات کشوری آنها را جهت اجراء به شهرداری ها ابلاغ نمودند این مصوبات موجب آشفتگی فراوان و اعتراض کارخانجات شده و در تمام شهرها ایجاد اشکال نموده است. اینک با تقدیم این دادخواست ابطال بند ۲۷ بخشنامه فوق الذکر را استدعا دارد. مدیر کل دفتر حقوقی وزارت کشور در پاسخ به شکایت مذکور طی نامه شماره ۳۲۴۹/۶۱ مورخ ۱۳۷۸/۷/۵ اعلام داشته اند توسعه محدوده های قانونی و حریم شهرها به موجب تبصره یک ماده ۴ قانون تقسیمات و ماده ۹۹ قانون شهرداری، حسب ضرورت تشخیص و متناسب با نیاز شهرها و به منظور گسترش دامنه عملکرد متنوع امور شهری برعهده وزارتین کشور و مسکن و شهرسازی و بعضاً انجمن شهر محول و واگذار گردیده است. از آنجائی که شهرها همزمان با روند افزایش رو به تزاید جمعیت گسترش می یابد، بالطبع با توجه به کمبود فضا موجبات توسعه فضاهای مختلف شهری از جمله تجاری اداری، مسکونی، خدماتی و مهم فضای سبز... را به همراه می آورد، به همین اعتبار و به جهت تحقق بخشی از نیازهای ضروری شهری ناچاراً اعمال اهرمهای قانونی مورد اشاره را می طلبد و گریزی از این قاعده نمی باشد. وزارت کشور در راستای مسئولیت های

محوه و به لحاظ تنسيق و تنظيم امور و تدقيق در تصميم گيريها ، تواماً ضمن تفويض پاره ای از امور مرتبط با وزارت کشور بعضاً مواردی از وظايف انجمن شهر (ماده ۴۲) و شورای شهر که به موجب تبصره ماده ۵۳ قانون شوراها به وزیر کشور محول گردیده است را در قالب دستورالعملی به آقایان استانداران به عنوان نماینده قانونی وزارت کشور در منطقه و قائم مقام شوراهاى اسلامى شهر در شهرهاى استان تفويض و واگذار نموده است . در این مقوله بند ۲۷ بخشنامه با عنایت به انشاء حکم آن صرفاً برای آقایان استانداران جنبه پیشنهادی داشته و مراحل تصویب و تأیید به گونه ای که در احکام مواد ۹۹ و تبصره یک ماده ۴ قانون تقسیمات درج گردیده است، توسط مراجع مذکور صورت می پذیرد و آقایان استانداران نقش تصمیم گیری در ما نحن فیه ندارند. علی ایحال نظر به اینکه توسعه محدوده های شهری در زمان تصمیم گیریها و طبعاً در زمان حاکمیت احکام قانونی و براساس ضرورتهاى اساسی شهرها انجام یافته است از این جهت اعتبار لازم قانونی را تحصیل نموده و برای شهرداری ها و سایر دستگاه های اداری و اجرایی کشور حسب مورد قابلیت اجرایی داشته و دارد و با عنایت به شرح مراتب رد خواسته شاکی و صدور رای بر ابقاء بند ۲۷ بخشنامه مارالذکر مورد تقاضا است. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین مقدسی فرد معاون قضایی دیوان و با حضور رؤسای شعب بدوی و رؤساء و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی : نظر به اینکه تکلیف تعیین محدوده جغرافیایی و مقامات و مراجع قانونی ذیصلاح در تصویب آن به حکم تبصره یک ماده ۴ قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری تعیین و مشخص گردیده است . بند ۲۷ بخشنامه شماره ۱/۳/۳۴/۲۴۸۲۰ مورخ ۱۳۶۸/۱۰/۱۷ وزارت کشور که در این باب ترتیب دیگری را معین نموده است مغایر قانون تشخیص داده می شود و به استناد قسمت دوم ماده ۲۵ قانون دیوان ابطال می گردد.

معاون قضایی هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - مقدسی فرد

شماره هـ / ۴۵/۷۹

۱۳۷۹/۱۲/۲۷

شماره دادنامه: ۲۸۴

تاریخ ۱۳۷۹/۱۰/۴

کلاس پرونده: ۴۵/۷۹

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

شاکی: آقای محمد یوسفی

موضوع شکایت و خواسته: اعلام تعارض آراء صادره از شعب ۱۲ و ۱۸ دیوان عدالت اداری.

مقدمه: الف - شعبه دوازدهم در رسیدگی به پرونده کلاس ۲۷۳/۷۲ موضوع شکایت آقای میرقاسم زگردی به طرفیت شهرداری ملایر به خواسته اعتراض به رأی مورخ ۱۳۷۱/۴/۷ کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری ملایر و تقاضای استرداد عوارض مأخوذه به شرح دادنامه شماره ۷۰۳ مورخ ۱۳۷۲/۷/۸ چنین رأی صادر نموده است، بالتلفات به مستنبط از مفاد نظریه ذیل نامه شماره ۹۳۲/۱/۳/۳۴ مورخ ۱۳۶۶/۶/۱۵ وزارت کشور به عنوان رئیس دیوانعالی کشور و با عنایت به مدلول ماده یک قانون دفاتر اسناد رسمی و کانون سردفتران و دفترباران مصوب ۱۳۵۴/۴/۲۵ که دفترخانه اسناد رسمی را واحد وابسته به وزارت دادگستری دانسته و طبق مدلول ماده ۲ قانون مذکور سردفتران به موجب ابلاغ وزیر دادگستری منصوب می گردند و همچنین مدلول تبصره یک ماده ۲ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۹/۴/۱۳ که صاحبان دفاتر اسناد رسمی را از شمول قانون مذکور مستثنی نموده است به رأی فوق الذکر اشکالاتی وارد است زیرا قطع نظر از اینکه مندرجات نامه مذکور حکایتی از تنفیذ صریح ندارد و معلوم نیست اعلام نظریه به عنوان چه مقامی داده شده است، چون این نظریه در مقام اجراء بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور اعلام گردیده است و مندرجات رأی کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری حکایتی از قید دلیل قاطع بر تحقق شرط مندرج در نظر رئیس دیوانعالی کشور و همچنین شرط مندرج در بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور و شمول بر دفترخانه های رسمی ندارد. ثانیاً با اینکه نظریه مستند بعد از تاریخ ۱۳۶۶/۷/۲ اعلام گردیده است مندرجات رأی حکایتی از مجوز قانونی مشمول عوارض دانستن دفترخانه اسناد رسمی شماره ۱۷ ملایر را از سال ۱۳۶۴ تا آخر سال ۱۳۷۰ ندارد. ثالثاً مندرجات رأی حکایتی از قید مستند قانونی عوارض مورد مطالبه ندارد. رابعاً چون اساساً دفترخانه مذکور مدعی بوده است که اساساً عوارض مورد مطالبه شامل دفترخانه اسناد رسمی نمی گردد تا مورد مشمول ماده ۷۷ قانون شهرداری باشد در نتیجه رسیدگی کمیسیون مذکور فاقد مجوز قانونی بوده است لذا به جهات مذکور و سایر اوضاع و

احوال حکم به ورود شکایت شاکی و بطلان رأی مورخ ۱۳۷۱/۴/۷ کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری ملایر و محکومیت آن شهرداری به مسترد نمودن وجوه مأخوذه از شاکی بابت عوارض محل بحث صادر می گردد. ب - شعبه هجدهم در رسیدگی به پرونده کلاسه ۱۳۰/۷۸ موضوع شکایت آقای محمد یوسفی به طرفیت شهرداری شاهرود به خواسته ابطال آراء ۱۳۷۱/۵/۳۱، ۱۳۷۵/۱۰/۱۱ و ۱۳۷۸/۱/۲۵ صادره از کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری ها به شرح دادنامه شماره ۱۵۹۹ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۶ چنین رأی صادر نموده است، نظر به اینکه اعتراض شاکی صرفاً در زمینه این است که دفاتر اسناد رسمی وابسته به وزارت دادگستری بوده و خارج از شمول مقررات ماده ۲ قانون نظام صنفی است و بند یک ماده ۳۵ قانون تشکیلات شوراهای اسلامی کشور شامل دفاتر اسناد رسمی نمی شود و حال آنکه اخذ عوارض از دفاتر اسناد رسمی که با رعایت تشریفات قانونی به تنفیذ مقام صلاحیت دار مذکور در ماده ۳۵ فوق الذکر رسیده است با توجه به وحدت ملاک از رأی وحدت رویه شماره ۱۸۷ مورخ ۱۳۷۴/۱۱/۷ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایرتی با قانون ندارد. علیهذا رأی به رد شکایت صادر می گردد. هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق به ریاست حجت الاسلام والمسلمین دری نجف آبادی و با حضور رؤسای شعب بدوی و روساء و مستشاران شعب تجدید نظر تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می نماید.

رأی هیأت عمومی: نظر به اینکه دریافت عوارض مورد ادعا برابر مقررات به تصویب مقام صلاحیت دار رسیده است، بنابراین دادنامه شماره ۱۵۹۹ مورخ ۱۳۷۸/۱۲/۱۶ شعبه هجدهم دیوان در حدی که متضمن این معنی می باشد موافق اصول و موازین قانونی است. این رأی به استناد قسمت آخر ماده ۲۰ قانون دیوان عدالت اداری برای شعب دیوان و سایر مراجع مربوط در موارد مشابه لازم الاتباع است.

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری - قربانعلی دری نجف آبادی